فهرست مطالب:

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر/ وظایف نهادها (مؤثرین اجتماعی و متمکنین) 2

اشاره و مقدمه بحث: 2

قواعد تضاعف تکالیف 2

قاعده ششم: موقعیت اجتماعی 2

بررسی دلیل قاعده 3

1. تسنین سنت 3

سؤال: 4

پاسخ استاد: اصالت الموضوعیه 4

سؤال: 4

پاسخ استاد: 4

2. دلیل عقل 4

منشأ تضاعف تکالیف 4

3. الغای خصوصیت و تنقیح مناط 5

قاعده تضاعف تکالیف برخورداران از نعمت 5

سؤال: تمکن در زمین 5

پاسخ استاد: 5

جمع‌بندی 5

عوامل اشتداد ثواب و عقاب 6

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** امر به معروف و نهی از منکر/ وظایف نهادها (مؤثرین اجتماعی و متمکنین)

**اشاره و مقدمه بحث:**

عرض شود که یک بحث دیگری را امروز طرح کنیم. گرچه شاید نیاز به بحث بیشتر داشته باشد. تا به حال ملاحظه کردید که امر به معروف و نهی از منکر مثل خیلی از تکالیف دیگر یک خطاب عمومی دارد، خطاب حکومتی، خانوادگی و خطاب نهادی دارد. در مجموع چند نوع خطاب بود.

**قواعد تضاعف تکالیف**

قواعد عامه هم داریم که شامل امر به معروف و نهی از منکر هم می‌شود و شامل سایر تکالیف هم می‌شود. تا کنون پنج قاعده فقهی به دست شما دادیم. مفهوم آن این بود که هر تکلیف که عموم مردم دارند، حکومت، خانواده، عالم و منتسبین به شریعت، آن تکلیف را به صورت مؤکّد و مضاعف دارد. در مسئولیت عموم مردم در حوزه تربیت و تهذیب، برای خانواده مؤکد است. هر مسئولیتی عموم مردم دارند، برای علماء دین مؤکد است. همین طور هر مسئولیتی عموم مردم دارند، برای منسوبان به شریعت مؤکد است. این چهار قاعده فقهی است که موجب تضاعف تکالیف می‌شود و حائز اهمیت هستند.

کسانی که به دین انتساب دارند، خویش و قوم پیامبر(ص)، امام (ع)، مرجع تقلید و حوزه علمیه (حوزه منتسب به امام زمان (عج) است)، این‌ها تکالیف مضاعف دارند.

برخی از این قواعد پنج‌گانه، در امر به معروف و نهی از منکر دلیل خاص دارند و برخی دیگر فقط به عنوان قاعده عام مطرح هستند. این قواعد پنج‌گانه در هر سه قاعده هدایت و تربیت، قاعده ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر جاری است.

**قاعده ششم: موقعیت اجتماعی**

قاعده ششم این است که صاحبان مناصب اجتماعی، نخبگان، دارندگان جایگاه و تمکن ویژه نیز دارای تکالیف مضاعف هستند. با ملاحظه آن پنج قاعده قبلی و تنقیح مناط، می‌توان قاعده تضاعف تکالیف را تسری داد به کسانی که همانند ورزشکاران، هنرمندان و ... دارای جایگاه اجتماعی و نقش تأثیرگذاری هستند. زیرا همان ملاک اثرگذاری در این افراد و اصناف وجود دارد. یا حتی ممکن است قاعده تضاعف تکالیف از حکومت با تنقیح مناط تسری داده شود به کسانی که حاکم نیستند اما مؤسسات خصوصی بزرگ دارند که شبیه دولت عمل می‌کنند؛ برخی اشخاص شرکت‌ها و مؤسساتی دارند که در تعیین حکومت تأثیر دارند. فدراسیون‌های ورزشی، فوتبالیست‌ها و ... ورزشکاران با یک بازی چه قدر تأثیر دارند. گاهی الگو می‌شوند برای جوانان و آثار تربیتی بر جای می‌گذارند. این‌ها همیشه بوده و در دنیای امروز بیشتر شده است. نهادهای مردمی که قدرت محسوب می‌شوند، تأثیرگذارند.

سؤال اینجا است که آیا این‌ها در تکالیف مثل بقیه مردم هستند یا خیر؟ دو مطلب را می‌شود گفت:

1) قاعده ششم این است که کسانی که در جامعه الگو می‌شوند و فرد به لحاظ الگو دهندگی و میزان تأثیرگذاری و موج عمل، روی مسئولیتش اثر دارد. اینکه در کار خوب باید افراد از وی یاد بگیرند، مردم از الگوها الهام می‌گیرند، مسئولیت «الگو» مضاعف می‌شود. این حرف حرف بعیدی نیست.

**بررسی دلیل قاعده**

برای این قاعده دلیل روشن لفظی و روایت یادم نیست. ادله عامه وجود دارد مانند روایت تسنین سنت حسنه و سیئه:

**1. تسنین سنت**

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ قَالَ: «**سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْجِهَادِ سُنَّةٌ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةِ ... وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْ‏ءٌ**».[[1]](#footnote-1)

از این روایت می‌توان استفاده کرد. اگر کسی در سبک زندگی حسنه تأثیرگذار باشد و دیگران از وی دنباله‌روی کنند، وی در ثواب عمل همه کسانی که به آن سنت و سبک زندگی عمل کرده‌اند، شریک است.

**«قَوْلِ النَّبِيِّ ص... وَ مَنْ سَنَ‏ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة»**[[2]](#footnote-2) این روایت ظاهراً معتبر است، در وسایل الشیعه[[3]](#footnote-3) هم آمده است. روح این روایت اسن است که، میزان اثرگذاری شما موجب افزایش مسئولیتتان می‌شود ثوابا و عقابا. پس نفس اینکه موج عمل شما بیشتر است، مسئولیت بیشتر می‌شود و لو حاکم یا عالم نباشید. فوتبالیست، هنرمند، سرمایه‌دار و فیزیکدان و ... به خاطر بُرد اجتماعی بیشتر و الگودهی و تأثیرپذیری مردم از آنان. بنا بر این مؤثرین و صاحبان نقش و تأثیر اجتماعی مسئولیت مضاعف دارند.

سؤال:

آیا عناوین قبلی(علم، حکومت و ...)، در این عنوان هضم می‌شوند؟ این جایگاه و نقش عام است اما خانواده، عالم و حاکم و ... مصداق این عنوان است؟

پاسخ استاد: اصالت الموضوعیه

خیر، بر اساس اصالت الموضوعیه آن عناوین باقی است. مسئولیت مضاعف خانواده و عالم مقید به بُرد و تأثیر اجتماعی نیست. با اینکه دایره این قاعده عام است و عناوین قبلی خاص بودند اما آن عناوین مصداق این عنوان عام نیستند.

سؤال:

بر اساس آیه‌ «**لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفسًا إِلّا وُسعَها**» آیا تکلیف مشروط به توان است؟ و وسع برخی بیشتر است؟

پاسخ استاد:

اینکه بیشتر از وسع تکلیف نمی‌کند، مقبول و درست است اما اینکه حتماً به میزان وسع تکلیف کند، جای حرف دارد. در افزایش و تضاعف تکلیف چیزی از این آیه به دست نمی‌آید.

**2. دلیل عقل**

ممکن است بگوییم حکم عقل داریم. وقتی کارتان تأثیر بیشتر دارد و دیگران تأسی می‌کنند پس عقل حکم به مسئولیت بیشتر می‌کند. تعبیر «مما اخذت من بلوغ الناس» هم هست و آدم به میزان بُرد بیشتر و نقش اجتماعی بیشتر و اثربخشی بیشتر، تکلیف بیشتر دارد.

**منشأ تضاعف تکالیف**

روح ادله تضاعف تکالیف به دو نکته برمی‌گردد:

1) فهم بیشتر، مسئولیت می‌آورد

2) بُرد و موج اجتماعی بیشتر مسئولیت بیشتر می‌آورد.

پس دلیل عبارت است از:

1. حکم عقل
2. روایت «**من سن سنه حسنه... سنه سیئه**»
3. الغای خصوصیت و تنقیح مناط

**3. الغای خصوصیت و تنقیح مناط**

این ادله عام هستند.

**قاعده تضاعف تکالیف برخورداران از نعمت**

یک شمول دیگر است، آیا نعمت بیشتر داشتن هم مسئولیت را بیشتر می‌کند؟

نعمت لازم نیست بُرد اجتماعی داشته باشد، کسی که سرمایه‌دار است و پول کلان دارد، نفس بهره‌مندی از نعمت‌ها آیا خطابات را مضاعف می‌کند؟ همین طور زیبایی؟

سؤال: تمکن در زمین

اطلاق آیه‌ «**الَّذينَ إِن مَكَّنّاهُم فِي الأَرضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَآتَوُا الزَّكاةَ وَأَمَروا بِالمَعروفِ وَنَهَوا عَنِ المُنكَرِ وَلِلَّهِ عاقِبَةُ الأُمورِ**»(حج/۴۱) آیا از این آیه، هر نوع موقعیت و قدرت اجتماعی استفاده نمی‌شود؟

پاسخ استاد:

این یک قاعده جدید می‌شود. هر چه بیشت از نعمت برخوردار باشید، مسئولیت بیشتر می‌شود.

در این مورد باید به دو نکته توجه کرد:

1) وفور نعمت موجب تضاعف تکلیف در حوزه مربوط به نعمت می‌شود. مسئولیت بیشتر در نعمت بیشتر است، بر اساس « **ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیم**».[[4]](#footnote-4)

2) نعمت موجب می‌شود که انسان در همه تکالیف و مسئولیت‌هایش، تضاعف تکلیف داشته باشد. حرف ما این است که مسئولیت در همه حوزه‌ها هست مثلاً اگر امر و نهی کند یا ترک وظیفه کند، ثواب و عقاب بیشتر دارد. حتی نماز و روزه او ثواب بیشتر دارد و گناهانش عقاب بیشتر دارد. ممکن است با تنقیح مناط این نکته را بتوان استفاده کرد. فعلاً ادله خاص در دست نداریم. شاید با تفحص بتوان ادله لفظی پیدا کرد. ما بعید نمی‌دانیم.

**جمع‌بندی**

حاصل عرض ما شد شش قاعده؛ که شش گروه دارای تکالیف مضاعف هستند:

1. خانواده
2. حاکمان و صاحبان مناصب
3. عالمان و دانشمندان دینی
4. منتسبان به دین و شریعت
5. افراد تأثیرگذار اجتماعی
6. بهره‌مندی بیشتر از نعمت

این افراد ثواباً و عقاباً تکالیف مضاعف دارند. این تضاعف تکلیف در حوزه امر به معروف و نهی از منکر هم می‌شود. این قواعد شش‌گانه عام هستند و اختصاص به امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

**عوامل اشتداد ثواب و عقاب**

بنا بر این قواعد اشتداد تکالیف ثوابا و عقابا در همه حوزه‌ها و مسئولیت‌ها است. قبلاً حدود 15 عامل برای اشتداد بیان کردیم که خوب است آماده و ساماندهی جدید شود.

* عواملی که موجب افزایش ثواب می‌شود.
* عواملی که موجب اشتداد عقاب می‌شود.
* عوامل مشترک.

آن بحث را باید در این منظومه قرار داد.

1. - كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏5 ؛ ص9، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مفيد، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص136، كنگره شيخ مفيد - قم، چاپ: اول، 1413ق. [↑](#footnote-ref-2)
3. - شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج‏15، ص24، مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام - قم، چاپ: اول، 1409 ق. [↑](#footnote-ref-3)
4. - تکاثر/8. [↑](#footnote-ref-4)